

آثار دروغ در زندگی فردی و اجتماعی در آموزه های دین

کوثر پورعبودی، فاطمه صبعی، امل شوقی^۱

چکیده

طبق آموزه های دین مبین اسلام دروغ آثار منفی و مخربی در زندگی فردی و اجتماعی دارد. نقطه مقابل دروغ، اعتماد و صداقت است که به عنوان عنصرهای اساسی در زندگی اجتماعی انسان، زمانی حاصل می شوند که صداقت در بین انسان ها حاکم باشد؛ و در این میان فرقی بین فعالیت علمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نیست. کاهش ارزش اجتماعی دروغگو قابل اطمینان نیست و مردم به او اعتماد نمی کنند از این رو نزد مردم ارزش ندارد. در این مقاله که با روش کتابخانه و با استفاده از کتب اخلاقی و تفسیری جمع آوری شده است به دنبال این هدف هستیم که آثار دروغ را از دیدگاه آموزه های دین اسلام برشماریم. نهایتاً به این نتیجه رسیدیم که: ارزش انسان در جامعه بشری به اطمینان و اعتماد مردم به اوست، آن گاه شخص وجهه و آبروی خاص دارد و ارزشمند است و از بین رفتن اعتبار و آبرو نابود کننده ارزش اجتماعی اوست و دروغگوئی رفتار ناشایستی است که اعتبار انسان را از بین می برد.

واژگان کلیدی: اسلام، اجتماع، دروغ.

^۱. سطح ۲، مدرسه علمیه کوثر خرمشهر/استاد راهنما: خانم امیره اصل عموری

مقدمه

دروغ گویی مانند سایر بیماری های روانی و عاطفی، ابتدا از یک مساله ساده کوچک آغاز می شود و چنان چه به موقع درمان نشود، به یک بیماری روحی تبدیل می شود که مشکلات بسیاری را برای فرد مبتلا و دیگران فراهم می سازد. از نظر روانی، دروغ گویی برقرار کردن نوعی رابطه بیمار گونه با دیگران است که علاوه بر شخص، دیگران را نیز دچار ناراحتی و مشکل می کند. دروغ گویی عامل اصلی فسادهای دیگر است، به طوری که شاید بتوان گفت کلید ورود به سایر فسادهاست.

دروغ از بدترین معایب، زشت ترین گناهان و منشا بسیاری از مفاسد است تا آنجا که یکی از گناهان کبیره به شمار میرود و از رذایل اخلاقی محسوب میشود. و قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) آن را به شدت مورد مذمت و نکوهش قرار داده اند. دروغ ریشه و سرچشمه سایر گناهان بوده، اگر همه گناهان در یک فضا موجود باشد، کلید مورد نیاز برای ورود به این فضا دروغ است، در دنیا و آخرت انسان را از رحمت الهی محروم مینماید، و در میان مردم بی اعتبار میکند، اعتماد عمومی را سلب مینماید و جامعه را به نفاق دچار میکند.

در میان آثاری که عالمان دین نوشته اند دست کم به دو اثر اشاره می شود. ، آیت الله عبدالحسین دستغیب در کتاب «گناهان کبیره» به بررسی دروغ و دروغ گویی از منظر دینی و بر حسب آیات و روایات پرداخته است. در این اثر، آیت الله عبدالحسین دستغیب تعاریفات غیر ناظر به واقع را نیز که میان مردم رواج دارد نوعی دروغ گویی دانسته است:

اما اثر مهمی که از منظر اخلاق اسلامی نوشته شده، اثری است با عنوان «دروغ مصلحت آمیز»: بحثی در مفهوم و گستره آن. این اثر به تفصیل به بحث درباره دروغ گویی و دروغ مصلحت آمیز پرداخته و ابعاد و دلالت های مختلف این مفاهیم را بررسی کرده و آرای گوناگونی را که میان عالمان مسلمان و غیر مسلمان در این باره مطرح بوده نقد کرده است.

مهدی بازرگان شخصیت دینی دیگری است که با هدف اصلاح اخلاقی جامعه کتاب «دروغ و نقش آن در دین و دنیای ما» را نوشته است.

امام حسن عسکری (علیه السلام): «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكَذِبُ؛ تمام پلیدی ها در خانه ای قرار داده شده و کلید آن دروغ گویی است.»

سوال اصلی که در این باره به ذهن خطور می کند این است که: دروغ در زندگی فردی و اجتماعی از منظر دین چه آثاری دارد؟ و در ضمن مقاله به پرسش های فرعی زیر پاسخ داده می شود:

دروغ در زندگی چه آثار زیان باری دارد؟

زیان های اجتماعی دروغ چیست؟

پیامدهای فردی و اجتماعی دروغ چیست؟

هدف از بررسی این مساله بالابردن سطح علم و آگاهی در باره پیامدهای منفی دروغ در زندگی فردی و اجتماعی و شناخت دیدگاه ادیان از جمله دین مبین اسلام می باشد که دراسلام این عمل به شدت مذمت شده است و به عنوان رذیله دینی در بعد اخلاق عملی معرفی شده است.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- معنای لغوی و اصطلاحی «اسلام»

واژه اسلام از «سلم» به معنای درستی و تندرستی و آسایش است. «سلامه» نیز به معنای ایمنی از آفت آزار است.^۱

راغب اصفهانی می‌گوید: «السَّلامُ و السَّلَامه: التعرّی من الافات الظاهره و الباطنه»؛^۲ در لسان العرب نیز همین معنا ذکر شده است^۳ اما پیوند «اسلام» با این معنا چگونه پدیدار می‌شود؟ ابن فارس می‌نویسد: «و من الباب أيضاً الإسلام، وهو الاتقياد؛ لأنه يَسْلَم من الإباء والامتناع»^۴

ابن منظور نیز می‌گوید: «و الإسلامُ و الاستِسْلَامُ: الاتقياد»^۵. همچنین: «فالإسلامُ إظهار الخُضوع...»^۶ بنابراین، اسلام به معنای سرسپردگی و نمایش کرنش است، زیرا از سرکشی و نافرمانی که نوعی آسیب و تباهی به شمار می‌آید، خالی است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت اسلام وارد شدن در سلم و سلامت است.

«سلام» به معنای تحیت نیز از همین ریشه است؛ به این معنا که رابطه طرفین، مسالمت آمیز است و از هرگونه جنگ و نزاع- که نوعی عیب و آفت- است، خالی است؛^۷ به همین مناسبت، «سلام» به معنی اسمی از اسماء الهی، به معنی کسی است که رفتار و برخورد او با بندگان عاری از هرگونه ظلم و ستمی می‌باشد.^۸ اسلام، دینی یکتاپرستی و ابراهیمی است که عمده‌تأ پیرامون و حول کتاب قرآن متمرکز شده است.^۹

«اسلام» در عرف آیات قرآن به معنای تسلیم بودن در برابر خدا و اوامر اوست؛ اوامری که از سوی پیام آوران خدا به مردم ابلاغ شده است، بنا بر آیات مرتبط با رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) یکی از مهمترین لوازم تسلیم، اعتقاد به رسالت آن حضرت است. این معنا با پلورالیزم دینی به مفهوم تاکید بر حقانیت دین اسلام همراه با منحصر ندانستن نجات در آن و زندگی مسالمت آمیز با پیروان ادیان دیگر سازگار است، ولی با تعریف دیگر آن که مدعی تکثر و تساوی آنان در برخورداری از حقیقت باشد، سازگاری ندارد.

۱. ابن فارس، معجم المقائیس اللغه، ج ۳، ص ۶۸.

۲. راغب اصفهانی، مفردات قرآن، ص ۴۲۲.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲: ۲۸۹.

۴. ابن فارس، معجم المقائیس اللغه، ص ۶۸.

۵. ابن منظور، همان، ص ۲۹۴.

۶. همان.

۷. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹: ص ۴۰۰.

۸. نجفی محمدجواد | محمدی جواد، مقاله «معناشناسی واژه «اسلام» در قرآن، با تاکید بر بررسی رابطه آن با پلورالیزم دینی»

درسایت: <https://www.sid.ir>

۱-۲- معنای لغوی و اصطلاحی «اجتماع»

اجتماع از ریشه «جمع» در اصل به معنای ضمیمه کردن چیزی به چیزی و جمع کردن آنهاست. و اجتماع به معنای جمع شدن است. ^۱در لغت نامه دهخدا واژه «اجتماع» از ریشه (ج م ع) به معنای گرد آمدن است و تجمع. اجماع فراهم آمدن معنا شده است و در اصطلاح: «به گروهی از مردم اطلاق می شود که دارای ارزشی هایی واحد هستند.» ^۲

۱-۳- معنای لغوی و اصطلاحی «دروغ»

دروغ: سخن ناراست. قول ناحق مقابل راست. مثل آه دروغ - وعده دروغ ^۳دروغ: سخن ناراست گفتاری که حقیقت نداشته باشد. ضرر است. ^۴دروغ گفتن قول ناحق کذب. ^۵

۱- سخن نادرستی که به قصد فریب یا گمراه ساختن گفته می شود برای اینکه تنبیه نشود دروغ گفت.

۲- سخن ناراست که ممکن است گوینده چگونگی آن را بداند یا نه. خبر دروغ ^۶

دروغ عبارتست از: «یک عمل روانی - اجتماعی مانند تلفظ شفاهی یا غیر شفاهی که با آن فرد سعی میکند به طور کم و بیش عمدی، ایمان نامشابه به آنچه که سازنده ی آن به حقیقتش مومن است در ذهن دیگران وارد کند.»

با وجود اینکه واژه دروغ از واژههایی است که معنی و مفهوم آن معروف نزد همگان است ولی در عین حال در میان دانشمندان در مورد مفهوم آن مباحثات زیادی است، بعضی دروغگویی را به معنی عدم مطابقت محتوای سخن با واقعیت ذکر کرده اند، در حالی که برخی آن را عدم مطابقت با تشخیص و اعتقاد گوینده میدانند به تعبیری دروغ بیان سخن و مطلبی است که مطابق با واقع و حقیقت نیست بین آنچه که توسط فرد بیان میشود و آنچه را که در جهان خارج وجود دارد.

^۱. ابن فارس، معجم، ج ۱، ص ۴۷۹

^۲. ابن منظور، لسان العرب، ص ۵۳.

^۳. همان

^۴. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص ۵۰۹

^۵. عمید، فرهنگ عمید، ص ۹۳۹

^۶. معین، فرهنگ معین، ص ۱۵۱۷

^۷. صدری افشار، فرهنگ فارسی، ص ۵۸۸

از دیگر آثار دروغ این است که انسان را به دروغ های دیگر، یا گناهان دیگر دعوت می کند، چرا که دروغ گو برای مخفی ساختن دروغش گاه مجبور می شود دروغ های زیاد دیگری بگوید یا دست به کارهای خطرناکی بزند. سومین اثر زیان بار دروغ این است که به شخص دروغگو امکان می دهد که به طور موقت پرده ای بر خلافتکاری های خود بیندازد در حالی که اگر راست می گفت ناچار بود آن اعمال را ترک کند.

چهارمین اثر زیان بار دروغ این است که انسان را تدریجاً به صفوف منافقان ملحق می سازد زیرا دروغ خود شاخه ای از شاخه های نفاق است چرا که دروغگو، خود را به چهره راست گویان در آورده و سخنش را به عنوان یک واقعیت القا می کند در حالی که درونش چیز دیگری می گوید این دوگانگی ظاهر و باطن به طور تدریج به سایر اعمال و رفتار او سرایت کرده و از او منافقی تمام عیار می سازد. امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در حدیثی می فرمایند: «الْكَذِبُ يُؤَدِّي إِلَى النِّفَاقِ؛ دروغ انسان را به نفاق می کشاند.»

پنجمین اثر زیان بار دروغ آن است اگر کسی شایستگی ها و لیاقت های فراوانی داشته باشد و بتواند از آن در پیش برد اهداف اجتماعی بهره برداری کند، ولی دروغگو باشد، کسی توانایی بهره گیری از آن شایستگی های او را ندارد، چرا که انسان در برابر او در هر قدم مواجه با شک و تردید می شود. از این رو بعضی از روایات، دروغ گو را با مرده یکسان دانسته، و می فرماید: «الْكَذَّابُ وَالْمَيِّتُ سَوَاءٌ فَإِنَّ فَضِيلَةَ الْحَيِّ عَلَى الْمَيِّتِ لَلثِقَّةُ بِهِ، فَإِذَا لَمْ يُوثَّقْ بِكَلَامِهِ بَطَلَتْ حَيَاتُهُ؛ دروغگو با مرده برابر است زیرا فضیلت زنده بر مرده اعتمادی است که انسان به او دارد و هنگامی که به سخن کسی اعتمادی نباشد گویی زندگی او باطل شده است.»

ششمین پیامد زیان بار دروغ آن است که، انسان با استفاده از ابزار دروغ می تواند کارهای زشت دیگری انجام دهد، انسان حسود، کینه توز، به واسطه دروغ می تواند حسد، کینه و یا بخل خود را اعمال نماید، همچنین در مورد بسیاری از گناهان دیگر، مثلاً هنگامی که کسی از او تقاضای وام می کند به دروغ می گوید من خودم امروز برای زندگی وام گرفتم، یا هنگامی که برای معرفی شخصی به او مراجعه می کنند به خاطر حسد و کینه توزیش می گوید آن شخص آدم بی اعتباری است، در حالی که در واقع مرد معتبری است.

هفتمین اثر زیانبار دروغ، در علوم و دانش ها ظاهر می گردد، اگر افراد محققى در یک یا چند مورد دروغ بگویند تمام تحقیقات و کتاب های علمی خود را از اعتبار می اندازند، و اگر این عمل شیوع پیدا کند اعتمادی بر تحقیقات و علوم دیگران باقی نخواهد ماند و کاروان علم و دانش بشری متوقف می شود. و آثار زیانبار دیگری که با دقت در زندگی دروغگویان می توان به آن پی برد.

اضافه بر این آثار که جنبه اجتماعی دارد، پیامدهای سوء معنوی نیز بر دروغ مترتب می شود که در روایات اسلامی به آن اشاره شده است. از جمله این که: امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) در حدیثی، دروغ را سبب دوری فرشتگان از انسان دانسته می فرماید: «إِذَا كَذَبَ الْعَبْدُ كِذْبَةً تَبَاعَدَ الْمَلَكُ مِنْهُ مَسِيرَةَ مِيلٍ مِنْ نَتْنِ

ماجاء به؛ هنگامی که انسان دروغی بگوید به خاطر بوی بدی که از عمل او برمی خیزد به اندازه یک میل فرشته از او دور می شود»

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی، دروغ را سبب محرومیت انسان را از نماز شب دانسته، و می فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ الْكَذِبَ فَيُحَرِّمُ بِهَا صَلَاةَ اللَّيْلِ، فَإِذَا حُرِمَ صَلَاةُ اللَّيْلِ حُرِمَ بِهَا الرِّزْقُ» گاه انسان دروغی می گوید و از نماز شب محروم می شود، و هنگامی که از نماز شب محروم می شود از رزق [وسیع] محروم می گردد.»

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی، دروغ را مانعی در برابر قبولی بعضی از عبادات دانسته، همان گونه که درباره روزه داران، می فرماید: «فَإِذَا صُمْتُمْ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ عَنِ الْكِذْبِ وَ غَضُّوا أَبْصَارَكُمْ؛ هنگامی که روزه می گیرید زبان را از دروغ حفظ کنید، و چشمان خود را [از نگاه گناه آلود] فرو گیرید. « این حدیث دلیل بر آن است که این گونه اعمال از ارزش روزه می کاهد. دیگر این که دروغ گفتن گاه سبب قطع برکات الهی از انسان می شود، چنان که امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در حدیثی می فرماید: «إِذَا كَذَبَ الْوَلَاءُ حُبِسَ الْمَطَرُ؛ هنگامی که زمامداران دروغ بگویند باران قطع می شود. «

در روایات آثار دیگری برای دروغ ذکر شده که ممکن است دارای جنبه های معنوی، اجتماعی و ظاهری باشد، از آن جمله روایات متعددی که دروغ را سبب کاهش رزق انسان و فقر و تنگدستی معرفی کرده اند. در حدیثی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «إِعْتِيَادُ الْكِذْبِ يُورِثُ الْفَقْرَ؛ عادت کردن به دروغ گویی سبب فقر و تنگدستی است.» رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) در این رابطه می فرماید: «الْكِذْبُ يُنْقِصُ الرِّزْقَ؛ دروغ از رزق انسان می کاهد» این کاهش رزق، ممکن است از آثار زیانبار معنوی، و یا از آثار ظاهری و اجتماعی دروغ باشد، چرا که دروغگو اعتماد مردم را از دست می دهد و باز دست دادن اعتماد عمومی، فعالیت اقتصادی او محدود می شود، و همین امر سبب نقصان رزق و رزق او می شود.^۱

۵- راهکارهای درمان دروغ

برای درمان این صفت رذیله (دروغ گویی)، نخست باید به سراغ ریشه ها برویم، چرا که با قطع نشدن ریشه ها، این نهال شوم همچنان پابرجاست. اگر ضعف ایمان نسبت به توحید افعالی، انگیزه دروغ گویی است، باید با تقویت پایه های ایمان، خدا را بر همه چیز قادر دانست، رزق و روزی، موفقیت، عزت و آبرو را به دست او بدانیم، تا ضعف های توسل به دروغ، برطرف گردد. اگر حسد، بخل، کبر و غرور، انسان را به دروغ گویی

^۱. همان.

میکشاند، باید به درمان آنها پرداخت، به یقین با قطع تدریجی این ریشه ها، چیزی جز صداقت و راستی باقی نخواهد ماند.

از سوی دیگر، بازخوانی پیامدهای زیانبار دروغ، همانند تیره روزی و بدبختی و رسوایی در دنیا و آخرت....، تأثیر مهم بازدارنده ای دارد.

اشخاص مبتلا به این رذیله اخلاقی، با پرهیز از دوستان ناباب و دروغگو، و محیط هایی که آنان را به دروغ تشویق می کند، سریع تر درمان می شوند، همانطور که پرهیز از افراد آلوده به بیماری های جسمی و محیط های آلوده، سبب سرعت در درمان بیماری خواهد شد.

رهبران جامعه و بزرگان خانواده نیز می توانند نقش مؤثری در عادت دادن مردم به راست گویی داشته باشند. چرا که وقتی افراد یک جامعه یا اعضاء خانواده چیزی جز صدق و راستی از بزرگترها نبینند به سرعت به صدق و راستی روی می آورند، اما در مقابل، دروغ، سبب آلودگی جامعه یا خانواده را به این صفت رذیله می شود.

بر اساس سخن پیامبر(صلی الله علیه وآله)، نباید طرق دروغ گویی را به دیگران یاد داد، ایشان در حدیثی می فرمایند: «لَا تُلَفِّنُوا النَّاسَ فَيَكْذِبُونَ فَإِنَّ بَنِي يَعْقُوبَ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ الذِّبَّ يَأْكُلُ الْإِنْسَانَ فَلَمَّا لَقْنَهُمْ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّبُّ. قَالُوا أَكَلَهُ الذِّبُّ؟ (هرگز تلقین دروغ به مردم نکنید، چرا که فرزندان یعقوب، نمی دانستند که گرگ ممکن است انسان را بخورد، و هنگامی که پدرشان یعقوب به آنها [سفارش کرد مراقب یوسف باشند] و گفت من از این بیم دارم که گرگ او را بخورد [آنها یاد گرفتند و] گفتند یوسف را گرگ خورد [در حالی که دروغ می گفتند و یوسف در چاه بود]. آری این سخن بهانه ای به دست پسران یعقوب داد.»

ایجاد شخصیت در افراد، یکی دیگر از مؤثرترین شیوه های درمان دروغ گویی است، احساس حقارت و کمبود شخصیت، یکی از عوامل مهم دروغ گویی است، زیرا این شخص می خواهد با لاف زدن کمبودهای خود را جبران کند، اما اگر احساس کند صاحب استعدادها و نیروهایی است که می تواند با پرورش آنها به مقامات عالی در جامعه برسد، برای ایجاد شخصیت، نیازی به توسل به دروغ ندارد.

به ویژه اگر به آنها یادآوری کنیم که راستگویان و صدیقان در پیشگاه خدا، و در صف انبیاء و شهیدان، و رفیق و همنشین آنان در قیامت خواهند بود، به یقین به ترک دروغ و اقبال به راست گویی تشویق خواهند شد، قرآن کریم می فرماید: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا؛ (و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند [در روز رستاخیز]

همنشین کسانی خواهد بود که خدا نعمت خود را بر آنان تمام کرده از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان، و آنها رفیق های خوبی هستند.»^۱

این نکته نیز قابل توجه است که نفوذ صفت زشت دروغگویی مانند صفات دیگر در وجود انسان، با دروغ های ساده و کوچک شروع شده و تدریجاً انسان را به دروغ های خطرناک می کشاند همان گونه که امام سجاد(علیه السلام) فرمود: «إِتَّقُوا الْكَذِبَ فِي صَغِيرٍ وَ كَبِيرٍ فِي كُلِّ جَدٍّ وَ هَزْلٍ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ اجْتَرَأَ عَلَى الْكَبِيرِ؛ (از دروغ پرهیز خواه کوچک باشد یا بزرگ، جدی باشد یا شوخی، چرا که انسان هنگامی که در موضوعات کوچک دروغ بگوید جرئت می کند که دروغ بزرگ هم بگوید.»^۲

نتیجه:

طبق آموزه های دین مبین اسلام دروغ آثاری مستقیم بر زندگی فردی و اجتماعی بشریت دارد. نقطه مقابل دروغ، صداقت و راستگویی و اعتماد مردم است که به عنوان عنصرهای اساسی در زندگی اجتماعی انسان، زمانی حاصل می شوند که در بین انسان ها حاکم باشد؛ و در این میان فرقی بین فعالیت علمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی نیست.

دروغگویی سبب بی آبرویی، ضعف ایمان، دوری از خداوند و دوستداران اهل بیت(علیهم السلام) می شود.

برای درمان این صفت رذیله (دروغ گویی)، نخست باید به سراغ ریشه ها برویم، چرا که با قطع نشدن ریشه ها، این نهال شوم همچنان پابرجاست. اگر ضعف ایمان نسبت به توحید افعالی، انگیزه دروغ گویی است، باید با تقویت پایه های ایمان، خدا را بر همه چیز قادر دانست، رزق و روزی، موفقیت، عزت و آبرو را به دست او بدانیم، تا ضعف های توسل به دروغ، برطرف گردد. اگر حسد، بخل، کبر و غرور، انسان را به دروغ گویی میکشاند، باید به درمان آنها پرداخت، به یقین با قطع تدریجی این ریشه ها، چیزی جز صداقت و راستی باقی نخواهد ماند. نتیجه اینکه: از بین رفتن اعتبار و آبرو نبود کننده ارزش اجتماعی است و دروغگوئی رفتار ناشایستی است که اعتبار انسان را از بین می برد. ارزش انسان در جامعه بشری به اطمینان و اعتماد مردم به اوست، آن گاه شخص وجهه و آبروی خاص پیدا میکند و ارزشمند خواهد شد که رفتار و گفتار او بر پایه صداقت و راستگویی باشد.

۱. قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۶۹.

۲. اخلاق در قرآن، مکارم شیرازی، ناصر، تهیه و تنظیم: جمعی از فضلاء، مدرسه الامام علی بن ابی طالب(علیه السلام)، قم، ۱۳۷۷ ش، چاپ اول، ج ۳، ص ۲۳۵.

منابع

*قرآن

- ۱- ابن فارس، احمد بن فارس، **معجم المقائیس اللغة**، ج ۳، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، سال ۱۴۰۴ ه. ق.
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، چاپ ۱، بیروت: دارالفکر للطباعة و الشر و التوزیع، بی تا.
- ۳- مکارم شیرازی، ناصر، **اخلاق در قرآن**، تهیه و تنظیم: جمعی از فضلاء، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، جلد ۳، چاپ اول، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب، سال ۱۳۷۷ ه. ش.
- ۴- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، **غرر الحکم و درر الکلم**، جلد ۵، چاپ ۸، بی جا: موسسه فرهنگی دارالحديث، سال ۱۳۹۵ ه. ق.
- ۵- حسین ین محمد، راغب اصفهانی، مصحح: داوودی، صفوان عدنان، **مفردات فی الفاظ قرآن**، چاپ ۱، بیروت: دارالشامیه، سال ۱۴۱۲ ه. ق.
- ۶- دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، چاپ ۱، بی جا: انتشارات دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۳۶۳.
- ۷- صدری افشار، غلامحسین؛ حکمی، نسرین و نستر؛ فرهنگنامه فارسی، چاپ ۲، بی جا: فرهنگ معاصر، سال ۱۳۹۰ ه. ش.
- ۸- طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، جلد ۹، چاپ ۸، بی جا: انتشارات ناصر خسرو، سال ۱۳۸۴ ه. ش.
- ۹- عمید، حسن، **فرهنگ عمید**، چاپ ۶، بی جا: انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۷۵ ه. ش.
- ۱۰- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، مصحح: غفاری، علی اکبر، جلد ۲، چاپ ۴، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- ۱۱- معین، محمد، **فرهنگ معین**، چاپ ۳، بی جا: انتشارات زرین، سال ۱۳۸۶ ه. ش.
- ۱۲- نوری، حسین ابن محمد تقی، **مستدرک الوسائل**، جلد ۹، چاپ ۱، بیروت: موسسه آل بیت علیهم السلام لاحیاء التراث، سال ۱۴۰۸ ه. ق.
- ۱۳- نجفی محمدجواد؛ محمدی جواد، مقاله «معناشناسی واژه «اسلام» در قرآن، با تاکید بر بررسی رابطه آن با پلورالیزم دینی» در سایت:
<https://www.sid.ir>
- ۱۴- اطهری، کاشانی، سربندی ونی؛ مقاله «آسیب شناسی دروغ از دیدگاه مکتب اسلام»، بی جا: انتشارات: کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، سال ۱۳۹۵.
سایت پرسمان تاریخ: ۱۳۸۶/۰۳/۱۰
<https://www-porseman.cim>